

SiminBehbahani's Gift for Persian Prosody:

The Rule of Simineh in Persian Meters

Aliasghar Ghahramani Mogbel*

Abstract

After organizing prosodic feet and presenting so-called Najafi's circle, AbolhasanNajafi managed to classify most of the Persian poetic meters, provide a criterion for their pleasantness or unpleasantness, and divide them into *muttafiq al-arkan* (i.e., each consisting of a repeated foot) and *mutanawib al-arkan* (i.e., each consisting of two types of feet alternately repeated) meters. Nevertheless he found some meters adopted by Persian poets since Rudaki which could not be placed in either group of meters, but, towards the end of his life, he found a way of including these meters in his classification. According the rule he called "*tafarro'-e vazni*" or "metrical branching", all meters of both groups which started with a foot of $\cup - \cup$, the foot could be changed into $\cup --$, bringing about a new and distinct meter. Re-explicating this rule in this paper by introducing some of SiminBehbahani's poems versified in this meter, we rename the rule into "*qa'ede-ye Simineh*" ("*Siminegi*") or "Simin's rule." There are three reasons for calling the rule in this way. The first is that no one has taken advantage of this rule as much as Simin, and the second one is that the scansion of the word "Simineh" reveals exactly the same foot appears in the new meter ($\cup --$). Finally, it is possible that Najafi was partly led to this rule by investigating part of Simin's poetry written in this meter.

Keywords: Persian prosody, Table of Persian meters, Rule of metrical branching, SiminBehbahani, Rule of Simineh.

* Associate professor of Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, a_ghahramani@sbu.ac.ir

Date received: 02/02/2021, Date of acceptance: 11/11/2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

سوغات سیمین بهبهانی به عروض فارسی:

قاعده سیمینه (سیمینگی) در اوزان فارسی

علی اصغر قهرمانی مقبل*

تقدیم به: دکتر امید طیبزاده

چکیده

ابوالحسن نجفی پس از سامان دادن رکن‌های عروضی و ارائه دایره موسوم به دایره نجفی، توانست اغلب وزن‌های شعر فارسی را در ضمن طبقه‌بندی وزن‌ها جای دهد و نیز معیاری برای مطبوع و نامطبوع بودن اوزان ارائه نماید و آنها را در ضمن دو دسته متفق الارکان (براساس تکرار یک رکن) و متناوب الارکان (تناوب دو رکن بر اساس دایره) بگنجاند. با این حال اشعاری با اوزان دیگر در دست داشت که شاعران پارسی‌گو از زمان رودکی به آن‌ها اقبال نشان داده بودند ولی در ضمن دو دسته فوق قرار نمی‌گرفتند، تا اینکه در اواخر عمر خود قاعده‌ای را یافت که با آن جایگاه این وزن‌ها در طبقه‌بندی مشخص می‌شد. این قاعده که نجفی آن را «تفرع وزنی» نامید عبارت بود از این که در تمامی وزن‌های متفق الارکان و متناوب الارکان، که رکن اول آن‌ها با ترتیب هجایی «و - و» آغاز می‌شود، می‌تواند به «- - و» تبدیل شود و این ویژگی وزنی با هویت جدید و مستقل را پدید می‌آورد. ما این مقاله ضمن تبیین مجدد این قاعده، با معرفی اشعاری که سیمین بهبهانی بر اساس آن ابداع کرده و به کار برده است این قاعده را به جای تفرع وزنی، «قاعده سیمینه» (سیمینگی) نامگذاری کردیم، زیرا از یک سو هیچ شاعری به اندازه سیمین از این ظرفیت در شعر فارسی بهره نگرفته است و از طرف دیگر

* دانشیارگروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، a_ghahramani@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تقطیع هجایی «سیمینه» (— -) یادآور ترتیب هجایی مورد نظر است. هم‌چنین به نظر می‌رسد تأمل در اوزان این نوع از اشعار سیمین در کشف این قاعده از سوی نجفی بی‌تأثیر نبوده است.

کلیدواژه‌ها: عروض فارسی، جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی، قاعده تفرع وزنی، سیمین بهبهانی، قاعده سیمینه، سیمینگی.

۱. مقدمه

اگر از خانواده وزن‌های ایقاعی بگذریم که تنها متشکل از هجاهای بلند است، اساس وزن شعر فارسی، کمی و مبتنی بر ترتیب هجایی متشکل از هجاهای کوتاه و بلند است. هجاهای تشکیل دهنده یک مصراع به دلیل طولانی بودن آن، به ناچار باید در درون مصراع دسته‌بندی شوند که این دسته‌بندی ضرورت استخراج رکن‌های عروضی را فراهم می‌آورد. ابوالحسن نجفی درباره رکن‌های عروضی و نحوه به دست آوردن آنها به تفصیل سخن گفته است. در تمامی رکن‌های عروضی اصلی هجای کوتاه و بلند حضور دارد، به طوری که هر رکن آرایشی از ترتیب هجای کوتاه و بلند است و تعداد و ترتیب هجاهای کوتاه و بلند، یک رکن را از رکن دیگر متمایز می‌کند.

خانواده‌های وزنی و در نتیجه وزن‌های مطبوع شعر فارسی بر اساس دو قاعده مهم به وجود می‌آیند و به تعبیر دقیق‌تر قابل رکن‌بندی هستند: نخست تکرار یک رکن و دوم تناوب دو رکن البته بر پایه دایره‌ای به نام دایره نجفی. البته این سخن بدان معنا نیست که دیگر وزن مطبوعی یافت نمی‌شود که خارج از دو قاعده فوق باشد. جالب آنکه نجفی در اواخر عمر خود با توجه به شواهد شعری که در دست داشت، متوجه شد که اغلب این وزن‌های خارج از دو قاعده بالا که در دست داشت، مشخصاً یکسانی دارند و هم‌چنین با یکی از دو گروه متفق الارکان یا متناوب الارکان به نوعی مرتبط هستند. به طوری که توانست این وزن‌ها را به عنوان یک وزن فرعی با ذکر تبصره در ضمن اوزان یک خانواده وزنی بگنجانند.

نجفی متوجه شد که در تمامی وزن‌های متفق الارکان و متناوب الارکان، که رکن اول آنها با ترتیب هجایی «— —» آغاز می‌شود، می‌تواند به «— —» تبدیل شود. اگر چه این امر قاعده تکرار یا تناوب را نقض می‌کند، ولی اوزان به دست آمده جزء وزن‌های مطبوع

به‌شمار می‌آیند (نجفی ۱۳۹۴: ۱۷۳). این همان قاعده‌ای است که او آن را «نوعی تفرع وزن (یعنی -- u به جای u - u در آغاز مصراع)» نامید (نجفی ۱۳۹۷: ۲۱۵).

واقعیت آن است که این نوع از وزن‌ها با وجود ارتباطی که با یکی از خانواده‌های مکرر یا متناوب دارند، ولی دارای هویتی مستقل هستند و وزن مستقل به‌شمار می‌آیند و می‌توان گفت که به خانواده‌ی وزنی مستقلی نیز تعلق دارند. اما پیش از پرداختن به ویژگی این وزن‌ها، نیازمند آن هستیم که چند موضوع مرتبط به ویژگی یک مصراع را به‌عنوان مقدمه بازگو کنیم.

۲. ویژگی پایان مصراع (واحد وزنی) در شعر فارسی

در شعر عربی بیت را و در فارسی مصراع را واحد وزن دانسته‌اند. ضمن تأیید این مطلب، باید توجه شود که گاهی واحد وزن در برخی اوزان، از مصراع نیز کوچک‌تر می‌شود و یک مصراع گاهی به دو پاره و حتی گاهی به چهار پاره تقسیم می‌شود، به طوری که این پاره‌های کوچک ویژگی‌های ابتدا و انتهای یک مصراع را دارا هستند. برای تصور دقیق این موضوع، می‌توان چنین عنوان کرد که همان‌طور که گذشتگان واژه مصراع (لنگه در) را برای این مفهوم برگزیده‌اند که برای ورود به بیت (خانه) بوده است، گاهی هر لنگه در، خود شامل دو نیم‌لنگه است که در عین پیوستگی به هم، مستقل از یکدیگر نیز محسوب می‌شوند.

برای ویژگی انتهای مصراع (واحد وزن)، مهم‌ترین ویژگی در شعر فارسی این است که جایگاه هجای پایانی مصراع ختشی است و شاعر می‌تواند به اختیار خود، کوتاه، بلند و کشیده بیاورد که معادل یک هجای بلند محسوب می‌شود. واقعیت آن است که این ویژگی منحصر به مصراع کامل نیست، بلکه بر انتهای هر واحد وزنی قابل تعمیم است و شاخص‌ترین ویژگی برای تعیین مرز میان واحدهای وزنی یک بیت است. به طور مثال:

مصراع	واحد وزنی	تعداد واحد وزنی در یک مصراع
مفتعلن مفتعلن مفتعلن	مصراع کامل	۱
مفتعلن مفتعلن فع مفتعلن مفتعلن فع	نیم‌مصراع	۲
مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن ^۱	ثلث مصراع	۳
مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن مفتعلاتن	ربع مصراع	۴

۳. ویژگی‌های ابتدای مصراع (واحد وزنی) در شعر فارسی

همان‌طور که انتهای مصراع (واحد وزنی) یک ویژگی منحصر به فرد دارد، ابتدای مصراع (واحد وزنی) نیز در برخی از وزن‌ها مشخصاتی دارد. به مناسبت موضوع ویژگی نخست را به اختصار توضیح می‌دهیم و ویژگی دوم را که محور اصلی این مقاله است به تفصیل بیان می‌کنیم:

۱.۳ اختیار ابدال (فاعلاتن به جای فعلاتن)

در وزن‌هایی که با ترتیب هجایی (UU - U) آغاز می‌شوند شاعر به جای هجای کوتاه نخست می‌تواند بلند بیاورد و به تعبیر آسان‌تر به جای فعلاتن از فاعلاتن استفاده کند. دو نکته در اینجا حائز اهمیت است. نکته اول اینکه این ویژگی جزء اختیارات شاعری محسوب می‌شود. نکته دوم اینکه این ویژگی منحصر به مصراع نیست و شامل ابتدای هر واحد وزنی را شامل می‌شود و این موضوع، در یافتن جایگاه این وزن‌ها در ضمن طبقه‌بندی وزنی اهمیت پیدا می‌کند. به طور مثال در شعر زیر:

ای رخت شمع بت پرستان شمع بیرون بر از شستان

بر لب جوی و طرف بستان دادِ مستان ز باده بستان

فاعلاتن مفاعلن فع // فاعلاتن مفاعلن فع

(خواجه‌جوی کرمانی، به نقل از: نجفی ۱۳۹۷: ۲۷۷)

این بیت بر یکی از وزن‌های دوری سروده شده است. در این بیت نه تنها در ابتدای مصراع فاعلاتن جای فعلاتن نشسته است، بلکه در ابتدای نیم‌مصراع نیز همین اختیار وارد شده است، زیرا هر نیم‌مصراع در این وزن، مانند دیگر وزن‌های دوری، یک واحد وزنی مستقل محسوب می‌شود و ویژگی ابتدا مصراع را دارد. بنابراین وزن اصلی این شعر چنین است:

فاعلاتن مفاعلن فع // فعلاتن مفاعلن فع

۲.۳ ترتیب هجایی «- U» به جای «U - U» (قاعده سیمینه یا سیمینگی)

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ابتدای مصراع و به تعبیر دقیق‌تر ابتدای واحد وزنی، که پیش از نجفی، نه در عروض قدیم و نه در عروض جدید، کسی متوجه آن نشده است، آن است که هر خانواده وزنی که با ترتیب هجایی کوتاه + بلند + کوتاه (U-U) آغاز می‌شود، به‌طور نظری، قابلیت آن را دارد که هجای کوتاه‌آغازی به هجای بلند (- U) تبدیل شود و خانواده وزنی جدیدی را تشکیل دهد. نکته بسیار مهم آن است که این ویژگی بر خلاف ویژگی قبلی، یعنی تبدیل فعالتن به فاعلاتن، جزء اختیارات شاعری نیست، بلکه تغییری ثابت است و هویت جدید و مستقلی به وزن می‌دهد و همانطور که عنوان شد خانواده وزنی جدیدی شکل می‌گیرد.

نکته مهم دیگر اینکه با ورود این تغییر، قاعده تکرار یک رکن و یا تناوب دو رکن خدشه‌دار می‌شود، زیرا رکن نخست اول مصراع (واحد وزنی) متفاوت از دیگر ارکان وزن می‌شود و به نوعی با خانواده وزنی مختلف الارکان مواجه می‌شویم، ولی هم‌چنان وزن‌های مستخرج از این خانواده‌ها را می‌توان مطبوع به شمار آورد.

نجفی در بخش ضمائم کتاب طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی این یافته خود را با عنوان «قاعده تفرع وزنی» این‌گونه توضیح می‌دهد:

دیدیم که کل اشعار ادبیات فارسی در دو گروه وزنی متفق‌الارکان و متناوب‌الارکان می‌گنجد. آنچه در این دو گروه بگنجد، حتی وزن‌هایی که هنوز ساخته نشده، موزون است و آنچه در این دو گروه نگنجد ناموزون. بدین ترتیب، تعریفی از شعر مطبوع و نامطبوع به دست می‌آید: مطبوع وزنی است که در این مجموعه بگنجد و نامطبوع وزنی است که در این مجموعه نگنجد. تنها یک استثناء بر این قاعده می‌توان برشمرد، و آن اینکه در مورد وزنی که با «U - U» شروع می‌شود، می‌توان به جای هجای کوتاه آغازی، یک هجای بلند قرار داد و به وزنی رسید که موزون و مطبوع است بی‌آنکه لزوماً در یکی از دو گروه فوق قرار بگیرد، و نیز بی‌آن‌که با وزن اولی هم‌وزن باشد (یعنی نشستن «- U» به جای «U - U» از زمره اختیارات شاعری نیست). (نجفی ۱۳۹۷: ۴۲۴)

این یافته نجفی مربوط به سال‌های پایانی عمر اوست که با توجه به در دست داشتن شواهد متعدد شعری، متوجه نسبت این گروه از وزن‌ها، با وزن‌های متفق‌الارکان و

وزن‌های مستخرج از دایره شد و به اختصار به توضیح آن پرداخت. از سوی دیگر می‌دانیم که نجفی از نام و نام‌گذاری در عروض به شدت پرهیز داشت، با این حال به اکراه از این یافته خود با عنوان قاعده «تفرع وزنی» یاد کرد. اما حقیقت آن است که نام «تفرع وزنی» نام روشن و گویایی برای اطلاق به این قاعده نیست، به ویژه اینکه این وزن‌ها هویت مستقل دارند و فرع وزن‌های دیگر نیستند. به طوری که نجفی در کتاب طبقه‌بندی وزن فرعی را به اوزان دیگری مانند طولانی شدن وزن از وزن معیار نیز اطلاق کرده است. اما آنچه را که او با عنوان تفرع وزنی ذکر کرده، به عنوان تبصره در ذیل وزن مرتبط با آن در ضمن متفق الارکان یا متناوب الارکان آورده است. به دلایلی که خواهیم آورد در این نوشته به جای تفرع وزنی، اصطلاح «قاعده سیمینه» یا «سیمینگی» را پیشنهاد می‌دهیم. شایان ذکر است که توضیح این قاعده به صورت «تبدیل فعول به مفعول» تعبیر کاملی نیست (طیب‌زاده ۱۳۹۷: ۲۷)، زیرا چنانکه خواهد آمد در رکن نخست این وزن‌ها علاوه بر صورت مذکور، تغییرات زیر را نیز شاهد هستیم که واقعیت شعری بر وجود و کاربرد آن‌ها صحه می‌گذارد:

مفاعِلن ← مستفعلن (U - U - - ← - U - -)

مفاعلاتن ← مستفعلاتن (U - U - - ← - - U - -)

مفاعِلتن ← مستفعلتن (UU - U - - ← - UU - -)

مفاعِلُّ ← مستفعلُّ (UU - U - - ← UU - -)

۴. قاعده سیمینه یا سیمینگی در اشعار قدیم

در شعر قدیم چند وزن معدود به کار رفته است که با این قاعده قابل توصیف و طبقه‌بندی است. هر چند توقع نداریم که عروض سستی قادر به تشخیص و توصیف این ویژگی بوده باشد، با این حال شاعران پیشین توانسته‌اند در چند وزن، از این ظرفیت و قابلیت وزن شعر فارسی بهره بگیرند. ما در شعر قدیم تنها سه وزن یافتیم که در ضمن این قاعده می‌گنجد که دو وزن از سه وزن، در ضمن یک بحر هستند:

۱. - - U - U - - UU - -

تقطیع سستی: مفعولُ مفاعیلُ فاعِلاتن

این وزن با یک هجا کمتر از وزن قبلی، در همان بحر قرار می‌گیرد و مسائل وزن قبلی، به این وزن نیز قابل تعمیم است.

جالب آنکه حتی عروض سستی هم با وجود اینکه دست خود را برای تراشیدن زحافات متعدد و متفاوت از زحافات عربی باز گذاشته بود، نتوانسته است این دو وزن نخست را در ضمن بحرهای به رسمیت شناخته خود قرار دهد و برای آن بحری جدید و خاص شعر فارسی از دایره مشتبهه عربی استخراج کرده و قریب نام نهاده است با وزن معیار «مفاعیلن مفاعیلن فاعلاتن». سپس این دو وزن را به بحر قریب پیوند داده است:

قریب اخرب مکفوف سالم العروض: مفعولُ مفاعیلُ فاعلاتن

قریب اخرب مکفوف محذوف: مفعولُ مفاعیلُ فاعلن

(شمس قیس ۱۳۶۰: ۱۶۶-۱۶۹؛ خواجه نصیر ۱۳۹۳: ۸۵)

شمس قیس برای هر دو وزن، شاهد مثال‌های مفصل و متعددی آورده است که نشان از اهمیت و کاربرد قابل اعتنای آن دو در نزد شاعران پیش از او دارد.

۳. - UU - U - - - UU- U - - -

مستفعلن فعِلن مستفعلن فعِلن

درباره این وزن و نحوه ورود آن به عروض فارسی به تفصیل سخن خواهیم گفت. در این جا به همین اکتفا می‌شود که این وزن را نخستین بار امیر معزی (و ۵۲۱ق) به پیروی از متنبی (و ۳۵۴ق) ساخته و از همان زمان برای فارسی‌زبانان بسیار دلنشین و مطبوع بوده است، حتی مانوس و دلنشین‌تر از دو وزن قبلی که شاعران از زمان رودکی به آن اقبال نشان داده بودند. اما در دستگاه طبقه‌بندی نجفی جا نمی‌گرفت و به دلیل پیروی معزی از متنبی در خلق این وزن، نجفی به دنبال راه حلی در عروض عربی می‌گشت که البته عروض عربی در این باره قادر به ارائه کمکی نبود.

۵. سیمینگی در جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی (بررسی نظری)

پیش از این در مقاله مستقلی جدول طبقه‌بندی وزن‌ها را طراحی و ارائه کرده بودیم که در آن تمامی خانواده‌های وزنی متفق الارکان و متناوب الارکان (بر اساس دایره نجفی)

سوغات سیمین بهبهانی به عروض فارسی: ... (علی اصغر قهرمانی مقبل) ۳۰۳

قابل استخراج بود. همچنین در این جدول جایگاه خانواده‌های وزنی بر اساس قاعده سیمینه (سیمینگی) نیز با علامت ستاره (*) تعیین شده بود. البته در آن مقاله، ما به پیروی از نجفی همان اصطلاح «تفرع وزنی» را برای این ویژگی آورده‌ایم و در این نوشته نخستین بار است که اصطلاح قاعده سیمینه یا سیمینگی آورده می‌شود. برای سهولت مراجعه در اینجا جدول طبقه‌بندی ذکر می‌شود:^۳

جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی

رشته وزنی	هجای آغازین خانواده وزنی							
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
	و	-	-	...				
	و	و*	-	...				
	و	-	-	...				
	و	و	-	...				
	و*	-	و	...				
	و	-	-	...				
	و	و	-	...				
	و*	-	و	...				
	و	و*	-	و*
	و	و*	-	و*

علامت «و» نشان‌دهنده امکان ظهور سیمینه یک خانواده وزنی در هر یک از رشته‌های وزنی است. همانطور که در جدول طبقه‌بندی ملاحظه می‌شود به طور نظری، ۹ خانواده سیمینه شده، قابل استخراج است: ۵ خانواده از رشته‌های وزنی متفوق‌الارکان و ۴ خانواده از دایره نجفی (رشته‌های ۱۰ و ۱۱). نکته قابل توجه اینکه این علامت ستاره تنها و تنها در ابتدای خانواده وزنی و هجای نخست آن ظاهر می‌شود و نباید آن را در غیر این موضع معتبر دانست، زیرا همانطور که پیش از این آورده شد، این ویژگی خاص ابتدای مصراع (واحد وزنی) است. به این معنی که تنها با تبدیل هجای کوتاه به بلند در نخستین هجای مصراع (و نیم‌مصراع در وزن‌های دوری) از این ۹ خانواده، سیمینه خانواده وزنی

به دست می آید و نباید تغییر هجای کوتاه به بلند را جز در نخستین هجای مصراع (یا نیم مصراع در وزن های دوری) منظور داشت.

بنابراین به طور نظری بر اساس سیمینگی ۹ خانواده وزنی به مجموع ۵۲ خانواده وزنی متفق الارکان و متناوب الارکان افزوده می شود. البته رکن سه هجایی این قاعده اساساً کاربردی ندارد و این قاعده در خانواده های وزنی متشکل از تکرار رکن های چهار هجایی و پنج هجایی ملاحظه می شود. همچنین فراموش نشود که در واقعیت شعر، تنها تعداد معدودی از خانواده های وزنی با استقبال نسبی شاعران مواجه شده است. وزن معیار این خانواده های وزنی سیمینه شده به طور نظری، به شرح زیر است:

- * مفعولُ فَعولُ فَعولُ فَعولُ (* ۲.۲)
- * مستفعلنُ مفاعِلن مفاعِلن مفاعِلن (* ۵.۱)
- * مستفعلاتنُ مفاعِلاتن مفاعِلاتن مفاعِلاتن (* ۸.۱)
- * مستفعلاتُ مفاعِلاتُ مفاعِلاتُ مفاعِلاتُ (* ۹.۲)
- * مستفعلتنُ مفاعِلتن مفاعِلتن مفاعِلتن (* ۹.۴)
- * مستفعلنُ فعِلاتن مفاعِلن فعِلاتن (* ۱۰.۵)
- * مستفعلُ مستفعلن مفاعِلُ مستفعلن (* ۱۰.۷)
- * مستفعلنُ مفاعِلُ مفاعِلُ مفاعِلُ (* ۱۱.۲)
- * مستفعلنُ مفتعلن مفاعِلن مفتعلن (* ۱۱.۴)

همان طور که ملاحظه می شود تغییر تنها در رکن اول رخ می دهد، به طوری که اگر وزن جزء وزن های متناوب الارکان هم باشد، نباید رکن متناظر (رکن سوم) تغییر کند، مگر آنکه با وزن های دوری مواجه شویم که با توجه به این که این تغییر خاص ابتدای هر واحد وزنی است، در آن صورت این تغییر اگر در ابتدای مصراع واقع شود، ناگزیر باید در ابتدای نیم مصراع دوم هم اعمال شود که این امر باعث دشواری تشخیص این ویژگی و یافتن جایگاه وزن در طبقه بندی وزن ها می گردد که مواردی از آن در ادامه می آید. همچنین به خاطر داشته باشیم که وزن های معیار که در بالا آورده شد، هر کدام به طور نظری یک خانواده وزنی مستقل را تشکیل می دهد که بنا به استقبال شاعران، ممکن است یک یا چند وزن (دوری و غیر دوری) از هر خانواده، در واقعیت شعر کاربرد داشته باشد.

۶. دلایل نام‌گذاری قاعده سیمینه یا سیمینگی

پیش از ورود به بحث محوری این نوشته باید دانست در میان شاعران پارسی‌گو از آغاز تا کنون هیچ شاعری به اندازه سیمین بهبهانی از تنوع وزن برخوردار نیست. محمد فشارکی درباره نوآوری سیمین چنین می‌گوید:

یکی از نوآوران و مبدعان راستین در زمینه وزن شعر فارسی که با حفظ ارزش‌های موسیقایی عروض سستی و در چارچوب تناسب کمی و کیفی هجاها که جوهر اصلی وزن شعر فارسی است، دست به ایجاد اوزانی بسیار دلکش و در عین حال کاملاً نو و بی‌نظیر یا کم‌نظیر کرده است، سیمین بهبهانی است. وی با آگاهی کامل از اوزان عروضی فارسی از زمان‌های قدیم تا روزگار خود، اوزانی را ابداع کرده است که در عین رعایت کیفیت هجایی آنها، کاملاً تازگی دارد و در طول هزار و دویست سال شعر فارسی نظیری از حیث وزن برای آنها یافت نمی‌شود و زاده و پرداخته ذهن خلاق و موسیقایی خود اوست. (فشارکی ۱۳۸۳: ۹۸)

بحث در اوزان به کار رفته در اشعار سیمین، به ویژه اوزان ابداعی او، نیاز به مجال دیگری دارد. اما نباید تصور کرد که سیمین علم عروض سستی را با اغلب اصطلاحات پیچیده عروض به ویژه زحافات می‌دانسته است و این امر باعث گستردگی کاربرد اوزان در دیوانش بوده است، هر چند او از انس خود با کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم سخن گفته است (نک: سیمین ۱۳۸۳: ۵۹۷-۵۹۸). اما حتی اگر بر این باور باشیم که به مانند یک عروضی از تمامی اصطلاحات عروض سستی آگاه بوده است، باز هم نمی‌توان عنوان کرد که تسلط او به عروض، به ابداع وزن‌های جدید در اشعارش رهنمون شده است، زیرا در میان اشعار او به اوزانی بر می‌خوریم که در عروض معرفی نشده و بی‌سابقه است، به طوری که علم عروض در زمان ارائه این اشعار (یعنی سی یا چهل سال قبل) حتی قادر به کشف ویژگی‌های برخی از این اوزان نبوده است. خوشبختانه سیمین در گفتگویی که با صدرالدین الهی داشته است، در بخش اعظمی از گفتگو در خصوص وزن اشعارش و نحوه یافتن وزن جدید سخن گفته است. (همان: ۵۹۴-۶۰۰). خود او در این باره چنین می‌گوید:

از سال پنجاه تا کنون که در حوزه اوزان تازه به تدریج و تناوب کار کرده‌ام هرگز به اوزان خلیل بن احمد و شمس قیس نیندیشیده‌ام. اگرچه آقای محمد فشارکی، استاد دانشگاه اصفهان اکثر وزن‌های مرا با تلاشی چشمگیر مشتقات مستخرج از

دوایر شمس قیس و خلیل بن احمد دانسته‌اند (البته پس از تعیین زحافات قبض و کف و قصر و حذف و خرب و سلخ و دیگر مصیبت‌ها)... من پس از خواندن آن دانستم که روی این اوزان می‌توان قاعده و قانونی گذاشت که من از آن بی‌خبر بوده‌ام، همان‌طور که اگر بگوییم: «زیر آسمان خدا» می‌توانیم در برابر آن بگذاریم: فاعلات مفتعلن و بگوییم که این وزن مستخرج از فلان بحر است و فلان زحافات آن را به این صورت درآورده است. (همان: ۵۹۸)

برای این که بدانیم تفاوت سیمین در به‌کارگیری اوزان شعری با دیگر شاعران فارسی‌گو از گذشته تاکنون چه میزان است، کافی است بدانیم که در میان شاعران پیشین مولانا جلال‌الدین که به تنوع وزنی در میان شاعران گذشته مشهور است، کمتر ۵۰ وزن را در دیوان شمس به خدمت گرفته است. همچنین در میان معاصران، حسین منزوی که از شاعران تنوع‌طلب در اوزان اشعار است و حتی وزن‌هایی را برای نخستین بار در ادبیات فارسی به کار برده است، تعداد اوزان به کار رفته در اشعارش کمتر از ۵۰ وزن است. این درحالی است که تعداد وزن‌های به کار رفته در اشعار سیمین بیش از ۱۳۰ وزن است؛ یعنی بیش از دو برابر اوزان دیوان شمس و نیز اشعار حسین منزوی. به طوری که فهرست کردن این اشعار فقط از عهده متخصص عروض جدید برمی‌آید و تا کنون به دلیل دشواری موضوع و تعداد اشعار و تنوع اوزان، کار دقیق و مستقلی در معرفی اوزان به کار رفته در اشعار سیمین انجام نگرفته است. لذا آمارهای مذکور در نوشته، از جانب نگارنده سطور است که امید آن می‌رود در آینده نزدیک آمار عروضی اشعار سیمین به طور جداگانه منتشر شود.

از طرف دیگر می‌دانیم که ابوالحسن نجفی به عنوان یک وزن‌شناس و عالم عروض، مورداستناد سیمین بهبهانی بود و از طریق نجفی از سابقه وزن‌های مورد استفاده خود مطلع می‌گردید، به طوری که نجفی در کتاب طبقه‌بندی خود به نوآوری‌های سیمین در اوزان تصریح کرده است. شگفت اینکه در میان ۱۳۰ وزن به کار رفته در اشعار سیمین، ۷ وزن در قاعده‌ای که نجفی آن را یافته است می‌گنجد و ۵ وزن از این ۷ وزن، به نظر می‌رسد که ابداع سیمین باشد. همچنین ۴۰ عنوان شعر بر این ۷ وزن سروده است که عدد قابل‌اعتنایی است. نیز از این ۴۰ عنوان شعر ۲۳ عنوان بر ۵ وزن ابداعی سیمین است. این در حالی است که تعداد وزن‌ها با این قاعده، از ابتدای شعر فارسی تا زمان سیمین به سختی به تعداد انگشتان یک دست می‌رسد که سیمین دو وزن از آنها را به کار گرفته است؛

یعنی این که سیمین به تنهایی بیش از تمامی شاعران پارسی گو در طول تاریخ به این نوع وزن اهتمام ورزیده و از طریق شمّ شعری خود متوجه این قابلیت و ظرفیت شده و از آن بهره برده است و به تنهایی وزن‌هایی را با این قاعده، به فهرست وزن‌های شعر فارسی افزوده است. به زعم نگارنده این تعداد از وزن‌ها (۷ وزن) و با تعداد قابل اعتنای اشعار (۴۰ عنوان شعر) در کشف این ویژگی از سوی نجفی تأثیرگذار بوده است.

بنابراین هرچند تعداد معدودی از چنین اوزانی در سابقه شعر فارسی وجود داشته و سیمین مبدع این نوع وزن نبوده است، ولی در به کارگیری و توسعه این نوع اوزان کاملاً متمایز از شاعران دیگر است، به طور مثال حسین منزوی با وجود علاقه به استفاده از وزن‌های جدید، حتی یک مورد از این نوع اوزان در دیوانش دیده نمی‌شود. به همین دلیل نگارنده برای این قاعده، نام «سیمینه» و سیمینگی و سیمینه شدن را پیشنهاد می‌کند.

دلیل دوم برای انتخاب این نام گذاری این است که تقطیع واژه «سیمینه» (U - -) دقیقاً ترتیب هجایی مورد نظر را بیان می‌کند. همچنین در جدول طبقه‌بندی نقطه شروع این خانواده‌های وزنی با یک ستاره بالای هجای کوتاه مشخص شده است و عبارت «ستاره سیمینه» دقیقاً نشان‌دهنده تغییر تقطیع ستاره (U - U) به سیمینه (U - -) است. همچنین برای سهولت در یادسپاری این نکته، در کنار «ستاره سیمینه»، عبارت «سیمینه شدن سروده»، بسیار مناسب می‌نماید.

بنابراین شایسته آن است که این قاعده به نام این شاعر بی‌ظنیر و چیره‌دست در به کارگیری وزن‌های شعر فارسی با عنوان «قاعده سیمینه (سیمینگی)» پذیرفته و به کار گرفته شود و در طبقه‌بندی نیز به جای «تفرع وزنی»، با عنوان سیمینه خانواده وزنی مرتبط، در کنار آن و به عنوان خانواده وزنی مستقل قرار گیرد و با یک ستاره در ابتدای وزن معیار آن مشخص گردد. به طور مثال:

- خانواده مفاعلن (۵. ۱): مفاعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن

- سیمینه خانواده مفاعلن (۵. ۱): *مستفعلن مفاعلن مفاعلن مفاعلن

در بخشی از مقاله «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی»، جدول فرمول خانواده‌های وزنی بر اساس قاعده سیمینه (البته با تعبیر تفرع وزنی) آورده شده است که در این جا این جدول با ذکر اصطلاح سیمینگی مجدداً در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. یادآوری می‌شود که در این جدول، نشانه «آلفا» (A') نشانه رکن جایگزین «الف» (A)

براساس قاعده سیمینه است. همچنین الف (a) و «ب» (b) بیانگر رکن ناقص در پایان واحد وزنی است:

*A'AAA	*آلفا الف الف الف ^۴	سیمینه وزن‌های معیار از متفق الارکان:
*A'BAB	*آلفا ب الف ب ^۵	سیمینه وزن‌های معیار از متناوب الارکان:
1. *A'A a\A'A a 2. *A'a\A'a	۱. *آلفالف الف\آلفالف الف ۲. *آلفالف\آلفالف	سیمینه وزن‌های دوری متفق الارکان:
1. *A'B a\A'B a 2. *A'b\A'b	۱. *آلفا ب الف\آلفا ب الف ۲. *آلفا ب\آلفا ب	سیمینه وزن‌های دوری متناوب الارکان:

۷. سیمینه‌های سیمین: وزن‌های به کاررفته در اشعار سیمین براساس قاعده

سیمینه

همان طور که پیش از این آورده شد سیمین بهبانی ۷ وزن از این نوع اوزان را به کار برده و ۴۰ عنوان شعر بر آنها سروده است که از این میان ۵ وزن ابداع خود اوست. در این جا قصد داریم وزن‌هایی را که سیمین بهبانی بر اساس این قاعده به کار گرفته است با ذکر نمونه یادآوری کنیم و جای هر یک را در طبقه‌بندی وزن‌ها نشان دهیم:

وزن اول - ۵. ۱. ۹ (۲). مستفعلن مفاعلن فع // مستفعلن مفاعلن فع:

این وزن سیمینه وزن «مفاعلمفاعلن فع//مفاعلمفاعلن فع» از خانواده مفاعلن (۵. ۱) است که به دلیل دوری بودن وزن، سیمینگی در ابتدای هر نیم‌مصراع خود را نشان داده است و به نظر می‌رسد که از ابداعات سیمین نیز باشد. در اینجا یک نمونه از سروده‌های شاعر بر این وزن را می‌آوریم:

باور نمی‌کنید اما، در مشت‌ها ستاره دارم

طرحی ز نور می‌تراود، انگشت‌ها چو می‌فشارم

* مستفعلن مفاعلن فع // مستفعلن مفاعلن فع

^۶ (سیمین بهبانی، مجموعه اشعار، دفتر اول، «باور نمی‌کنید»، ص ۹۵۴).

این وزن سیمینه «مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن مفاعلتن» از خانواده مفاعلتن (۹. ۴) است که به دلیل دوری بودن وزن، سیمینگی در ابتدای هر نیم مصراع خود را نشان داده است. قطعاً این وزن نیز از ابداعات سیمین است.

از تکرار مفاعلتن در عروض عربی بحر وافر (مفاعلتن مفاعلتن فعولن) به دست می‌آید و عروضدانان فارسی این بحر را مخصوص عروض عربی دانسته‌اند، به طوری که در عروض فارسی نه وافر و نه حتی رکن مفاعلتن، به رسمیت شناخته نشده است (شمس قیس ۱۳۶۰: ۴۵؛ خواجه نصیر ۱۳۹۳: ۶۳). از سوی دیگر از تکرار مفاعلتن در شعر فارسی قدیم و جدید، نمونه بارزی وجود ندارد و تنها یک غزل ملمع در دیوان شمس آمده است که مصراع‌های نخست آن، عربی و مصراع‌های دوم، فارسی است و مولانا به دلیل انتخاب وزن وافر برای مصراع‌های عربی (مفاعلتن ۱۶ هجایی)، مصراع‌های فارسی را نیز به این وزن سروده است (مولوی ۱۳۵۵، ج ۵، ص ۹۵، غزل ۲۲۶۷). سیمین نیز در مجموعه اشعار خود هیچ شعری بر تکرار مفاعلتن (۴ بار در مصراع) نساخته است، اما توانسته با ذهن خلاق خود دست به چنین ابتکاری بزند و سیمینه این وزن را بیافریند و البته تنها یک نمونه در میان اشعار او بر این وزن یافت می‌شود:

من جرم زمین شکافته‌ام، زان سوی سپهر سر زده‌ام

مرغی شده‌ام عظیم و عجب، بر اوج کبود پر زده‌ام

*مستفعلتن مفاعلتن // مستفعلتن مفاعلتن

(سیمین بهبهانی، مجموعه اشعار، دفتر اول، «من جرم زمین شکافته‌ام»، ص ۹۴۵).

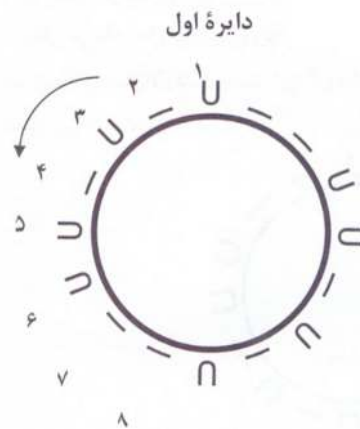
جای شگفتی است که نجفی در کتاب طبقه‌بندی خود، این وزن را یک بار در ضمن خانواده مفاعلتن آورده است (نجفی ۱۳۹۷: ۲۵۱)، یک بار هم آن را در خانواده مستفعل فاعلات آورده و به صورت «مستفعل فاعلات فعل // مستفعل فاعلات فعل» تقطیع کرده و آن را وزن فرعی و نامطبوع به شمار آورده است (نجفی ۱۳۹۷: ۴۰۳). با توجه به این که تاریخ سرایش این شعر سال ۱۳۶۲ است و قاعده سیمینه آخرین یافته نجفی در اواخر عمر اوست، به نظر می‌رسد که نجفی فرصت بازنگری دقیق نیافته است تا این شعر را از خانواده «مستفعل فاعلات» حذف نماید. خوشبختانه نجفی در بخش ضمایم کتاب، با اطمینان کامل، سیمینگی این وزن را مشخص کرده و جای این وزن را به درستی معلوم

سوغات سیمین بهبھانی به عروض فارسی: ... (علی اصغر قهرمانی مقبل) ۳۱۱

نموده است (نجفی ۱۳۹۷: ۴۳۲). غلامرضا پناهی، دیگر عروضی است که توانسته است تقطیع درستی از این شعر را ارائه دهد، البته بدون آنکه توجهی به جایگاه آن در طبقه‌بندی داشته باشد (پناهی ۱۳۹۹: ۱۸۵).

وزن‌های چهارم و پنجم و ششم* - ۱۰. ۵. سیمینه‌های خانواده مفاعن فعلاتن:

خانواده مفاعن فعلاتن نخستین خانواده از دایره نجفی بر خلاف حرکت عقربه‌های ساعت است و جزء خانواده‌های پرکاربرد در شعر فارسی به شمار می‌آید:



سیمین سه وزن سیمینه از این خانواده را به کار برده است که یکی از آنها ابداع خود اوست.

همان‌طور که پیش از این آورده شد وزن: «مستفعلن فعِلن // مستفعلن فعِلن» نخستین بار با شعری از امیر معزی وارد شعر فارسی شده است:

ای زلف دلبر من پرچین و پرشکنی گاهی چو وعده‌او گاهی چو پشتمنی

امیر معزی به تصریح خودش این شعر را به پیروی از شاعر مشهور عرب یعنی متنبی (و ۳۵۴ق) سروده و مصراع‌ی را از متنبی تضمین کرده و حتی تقطیع عروضی آن را به‌صورت زیر آورده است:

گفتم ستایش تو بر وزن شعر عرب تقطیع آن به عروض الا چنین نکنی

مستفعلن فعِلن مستفعلن فعِلن

أبلی الهوی أسفأ یومالئوی بدئی

(امیر معزی ۱۳۱۸: ۷۲۸-۷۳۰. مصراع عربی: متنبی ۱۹۸۶: ج ۱، ص ۴۹).

به دلیل اینکه قصیده متنبی بنا بر قواعد عروض عربی، بر وزن بسیط مخبون العروض والضرب سروده شده، عروض فارسی سستی به پیروی از عروض عربی، آن را بسیط نام‌گذاری نموده است، غافل از این که عروضدانان پیشین فارسی، بحرهای مستخرج از دایره اول، یعنی، طویل، مدید، و بسیط را خاص شعر عربی دانسته و در عروض فارسی بحور و اوزان این دایره را کنار گذاشته‌اند.

به خاطر دارم که بین استاد ابوالحسن نجفی و نگارنده این سطور در اواخر دهه هشتاد، بارها گفتگوی تلفنی در خصوص این وزن صورت گرفت و نجفی می‌خواست با کمک گرفتن از عروض عربی راه حلی برای یافتن جایگاه وزن مذکور در دستگاه طبقه‌بندی خود بیابد. باید اعتراف کنم که در آن زمان، به دلیل عدم اطلاع از جزئیات طبقه‌بندی اوزان در نزد نجفی، نمی‌توانستم به درستی دغدغه وی را دریابم و آن اینکه چطور این وزن که در مطبوع و دلنشین بودن آن کسی تردیدی به خود راه نمی‌دهد، در میان اوزان مطبوع نجفی (نه متفق الارکان و نه متناوب الارکان بر اساس دایره نجفی) جا نگرفته و ذهن جستجوگر او تا آن زمان پاسخی برای این مشکل نیافته بود.

از سوی دیگر نجفی شعری از ملک‌الشعراء بهار بر وزن «مستفعلن فعلاتن// مستفعلن فعلاتن» یافته بود که بی‌تردید از همان خانواده محسوب می‌شد و مانند وزن قبلی خوش نشسته بود، اما این وزن نیز در دستگاه طبقه‌بندی نجفی نمی‌گنجید:

بر تختگاه تجرد سلطان نامورم من با سیرتی ملکوتی در صورت بشرم من

(بهار ۱۳۹۶: ۵۸)

سیمین به این وزن، بیش از وزن قبلی، علاقه نشان داده و بارها آن را به کار برده است. تصور می‌کنم که این دو وزن در یافتن قاعده سیمینه توسط نجفی بسیار مؤثر بوده است، به‌ویژه اینکه سیمین علاوه بر دو وزن فوق، وزنی دیگر از همین خانواده ابداع کرده و ۱۳ شعر بر آن سروده است. جالب این که سیمین علاوه بر اقبال ویژه به این سه وزن سیمینه، اشعار بسیار زیادی بر اصل این سه وزن نیز سروده است. در اینجا برای هر کدام (اصل و سیمینه) مثالی آورده می‌شود:

سوغات سیمین بهبهانی به عروض فارسی: ... (علی اصغر قهرمانی مقبل) ۳۱۳

وزن چهارم* - ۱۰. ۵. ۹ (۲). مستفعَلن فعلاتن فع // مستفعَلن فعلاتن فع:

این وزن سیمینه وزن «مفاعِلن فعلاتن فع // مفاعِلن فعلاتن فع» است و به دلیل دوری بودن وزن، سیمینگی در ابتدای هر نیم مصراع خود را نشان داده است. به نظر می‌رسد این وزن از ابداعات سیمین باشد و ۱۳ شعر بر آن سروده است:

خطی ز سرعت و از آتش، در آبگینه سرا بشکن

بانگ بنفش یکی تندر، در خواب آبی ی ما بشکن

*مستفعَلن فعلاتن فع // مستفعَلن فعلاتن فع

(سیمین بهبهانی، مجموعه اشعار، دفتر اول، «خطی ز سرعت و از آتش»، ص ۶۳۱)^{۱۰}

اصل این وزن و جایگاه آن در طبقه بندی وزن‌ها به شرح زیر است:

۱۰. ۵. ۹ (۲): مفاعِلن فعلاتن فع // مفاعِلن فعلاتن فع

کجاست آن که به آگاهی، برون ز من نگرد «من» را

نگاره سازد و تندبسی، فرا وجود و فراتن را

(سیمین بهبهانی، مجموعه اشعار، دفتر اول، «کجاست آن که به آگاهی...»، ص ۷۶۵)

وزن پنجم* - ۱۰. ۵. ۸ (۲). مستفعَلن فعلاتن فع // مستفعَلن فعلاتن فع:

این وزن سیمینه وزن «مفاعِلن فعلاتن فع // مفاعِلن فعلاتن فع» است. شایان ذکر است که اصل این وزن هر چند متناوب است، دوری به شمار نمی‌آید. ولی سیمینه آن به صورت دوری به کار رفته و به دلیل دوری بودن وزن، سیمینگی در ابتدای هر نیم مصراع، خود را نشان داده است. همانطور که آورده شد پیش از سیمین ملک الشعراء بهار، شعری بر این وزن سروده است. سیمین به این وزن اقبال ویژه‌ای نشان داده و ۱۶ شعر بر آن سروده است:

سر در نشیب حَضِیضَم، شاهینِ اوج خیالم سربِی دویده به قلم، سرخی چکیده ز بالم

*مستفعَلن فعلاتن فع // مستفعَلن فعلاتن فع

(سیمین بهبهانی، مجموعه اشعار، دفتر اول، «سر در نشیب حَضِیضَم»، ص ۵۵۴)^{۱۱}

اصل این وزن و جایگاه آن در طبقه بندی وزن‌ها به صورت زیر است:

۱۰. ۵. ۱۶. مفاعِلن فعلاَتِن مفاعِلن فعلاَتِن:

دلم فتاده به دام و ره فرار ندارد رو فرار نه و طاقت قرار ندارد

(سیمین بهبهانی، مجموعه اشعار، دفتر اول، «شب صحرا»، ص ۱۵۰).

وزن ششم* - ۱۰. ۵. ۷ (۲). مستفعلن فعِلن // مستفعلن فعِلن:

همانطور که عنوان شد، این وزن سیمینه وزن «مفاعِلن فعِلن // مفاعِلن فعِلن» است که به دلیل دوری بودن، سیمینگی در ابتدای هر نیم مصراع ظاهر شده است. این وزن دلنشین ترین وزنی است که در طبقه بندی وزن‌ها در ضمن وزن‌های سیمینه می‌گنجد و در شعر قدیم فارسی آمده است، به طوری که سعدی و مولوی نیز به پیروی از امیر معزی هر کدام غزلی بر این وزن سروده‌اند. سیمین بر خلاف اقبالی که به دو وزن سیمینه از همین خانواده نشان داده است، تنها یک شعر بر این وزن دارد:

در قابِ سرخ غروب، قامت کشیده و راست کولی به سان بُتی، از آب‌نوس و طلاست

* مستفعلن فعِلن // مستفعلن فعِلن

(سیمین بهبهانی، مجموعه اشعار، دفتر اول، «کولی‌واره (۱۶)»، ص ۶۶۸).

اصل این وزن و جایگاه آن در طبقه بندی وزن‌ها به صورت زیر است:

۱۰. ۵. ۷ (۲). مفاعِلن فعِلن // مفاعِلن فعِلن:

سیمین یک شعر بر این وزن با عنوان «عروسی‌ی فیگارو»، (دفتر اول، ص ۱۰۲۲) سروده است.

وزن هفتم* - ۱۱. ۴. ۸ (۲). مستفعلن مفتعلن // مستفعلن مفتعلن:

این وزن که از ابداعات سیمین است، سیمینه وزن «مفاعِلن مفتعلن مفاعِلن مفتعلن» از خانواده «مفاعِلن مفتعلن» (۱۱. ۴) است که در ضمن وزن‌های متناوب الارکان به‌شمار می‌آید، اما با سیمینه شدن هر نیم مصراع، وزن دوری شده است. بنابراین سیمینگی در ابتدای هر نیم مصراع دیده می‌شود.

یک متر و هفتاد صدّم، افراشت قامتِ سخنم یک متر و هفتاد صدّم، از شعر این خانه منم

*مستفعلن مفتعلن // مستفعلن مفتعلن

(سیمین بهبهانی، مجموعه اشعار، دفتر اول، «۱/۷۰»، ص ۱۰۵۹).

اصل این وزن و جایگاه آن در طبقه‌بندی وزن‌ها به شرح زیر است:

۱۱. ۴. ۱۶. مفاعلهن مفتعلن مفاعلهن مفتعلن:

وزن فوق از معکوس دایره نجفی استخراج می‌شود (مفاعلهن مفتعلن: ۱۱. ۴). و سیمین تنها یک شعر بر این وزن سروده است (دفتر اول، «دوازده چشمه‌ی خون»، ص ۹۷۱)، بر سیمینه آن نیز تنها همان یک شعر که آوردیم، در دیوان او یافت می‌شود.

۸. نتیجه‌گیری

همانطور که در متن مقاله آورده شد، ابوالحسن نجفی در پایان عمر خود با یافتن قاعده‌ای که آن «تفرع وزنی» نامید توانست تعدادی از وزن‌های فارسی را که در ضمن تکرار رکن یا تناوب دو رکن نمی‌گنجیدند در دستگاه طبقه‌بندی وزن‌های خود بگنجانند. این وزن‌ها عبارت بودند از این که در تمامی وزن‌های متفق الارکان و متناوب الارکان، که رکن اول آن‌ها با ترتیب هجایی «u - u» آغاز می‌شود، می‌تواند به «- - u» تبدیل شود و این ویژگی وزنی با هویت جدید و مستقل را پدید می‌آورد. ما به جای «تفرع وزنی» به دلایل زیر اصطلاح «قاعده سیمینه» یا سیمینگی را پیشنهاد دادیم:

- نخست اینکه هرچند این نوع وزن از ابداعات سیمین بهبهانی نیست، اما هیچ شاعری در طول تاریخ شعر فارسی به اندازه سیمین از این ظرفیت در شعر فارسی بهره نگرفته است، به طوری که او ۷ وزن از این نوع اوزان را در اشعار خود به کار برده و ۴۰ عنوان شعر بر آنها سروده است که از این میان ۵ وزن ابداع خود اوست. این درحالی است که پیش از سیمین تعداد این نوع از اوزان در نزد تمامی شاعران در طول تاریخ شعر فارسی به تعداد انگشتان یک دست نمی‌رسد. در این نوشته تمامی این وزن‌ها به همراه شاهد مثال، معرفی شده است.

- دلیل دوم این که «سیمینه» با هجای بلند شروع می‌شود و تقطیع هجایی «سیمینه» (- u) یادآور ترتیب هجایی مورد نظر است.

- دلیل سوم اینکه به نظر می‌رسد تأمل در اوزان این نوع از اشعار سیمین در کشف این قاعده از سوی نجفی بی‌تأثیر نبوده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. در مقاله مستقلی با عنوان «رکن‌های پنج‌هجایی در عروض عربی و فارسی و کارکرد آن‌ها در عروض فارسی»، آورده شده است که رکن‌های پنج‌هجایی که تعداد هجای بلند آنها بیش از هجای کوتاه باشد، هر رکن به تنهایی می‌تواند یک پاره مستقل از پاره‌های وزن دوری باشد (نک: قهرمانی مقبل، ۱۳۹۹: ۵۸). بنابراین مفتعلاتن به تنهایی می‌تواند پاره‌ای از یک وزن دوری باشد و نباید آن را به صورت «مفتعلن فع» آورد.
۲. پرواضح است که عروض سستی به پیروی از عروض عربی، آوردن هجای کشیده را مستقل از هجای بلند می‌داند و بنابراین صورت‌های متعددی از این دو وزن را بر اساس عروض و ضرب ذکر می‌کند که ما از آنها چشم‌پوشی کردیم.
۳. نک: قهرمانی مقبل، «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی و شیوه نامگذاری وزن‌ها»، نامه فرهنگستان، ش ۶۵، پاییز ۱۳۹۷، صص ۵-۳۴. یادآوری می‌شود که در هنگام طراحی جدول و تعیین جایگاه خانواده‌های سیمینگی، فقط ۸ خانواده تعیین شده بود و نگارنده متوجه سیمینه خانواده ۹. ۴. نشده بود.
۴. در وزن‌های متفق الارکان، به شکل نظری، رکن‌های اصلی که می‌توانند مصداق «الف» (A) باشند عبارت‌اند از: فعول، مفاعلن، مفاعلاتن، مفاعلات، مفاعلتن. بنابراین مصداق «الف» (A') رکن‌های زیر است: مفعول، مستفعلن، مستفعلاتن، مستفعلات، مستفعلتن.
۵. در وزن‌های متناوب الارکان، تنها رکن‌های اصلی که می‌توانند مصداق «الف» (A) باشند عبارت‌اند از: مفاعلن، مفاعل. بنابراین مصداق «الف» (A') رکن‌های زیر است: مستفعلن، مستفعل. این فرمول در ۴ خانواده وزنی متناوب الارکان مستخرج از جدول، قابل اعمال است: مفاعلن فعلاتن (۵. ۱۰)، مفاعل مستفعلن (۷. ۱۰)، مفاعلن مفاعیل (۲. ۱۱)، مفاعلن مفتعلن (۴. ۱۱).
۶. اشعار دیگری که در این وزن سروده شده است: از دفتر اول: «اوی من»، ص ۸۵۹ از دفتر دوم: «چون شد ای شهر» (در کام کودکان بسلان)، ص ۳۸، «آن اسپ بی‌سوار»، (گفتم نرو بمان همین جا)، ص ۶۸ «سرگشاده» (در این درازنای ظلمت)، ص ۱۳۷، «این گونه رد خون‌بها کن» (گر پاسدار و گر بسیجی)، ص ۱۴۹.

سوغات سیمین بهبهانی به عروض فارسی: ... (علی اصغر قهرمانی مقبل) ۳۱۷

۷. اشعار دیگری که در این وزن سروده شده است: از دفتر اول: «عروس مینایی»، ص ۸۶۶، از دفتر دوم: «مراد من درود، تعظیم»، ص ۱۲۲.
۸. شعر دیگری که در این وزن سروده شده است: از دفتر دوم: «زیر قدم‌های خشک‌تان»، ص ۱۲۴.
۹. اشعار دیگری که در این وزن سروده شده است: از دفتر اول: «هزار پروانه طلا»، ص ۸۵۵ «میان جالیز می‌دوم»، ص ۸۸۶ «چه پای سختی فشرده‌ام»، ۱۰۹۵. از دفتر دوم: «عذاب این سایه‌روشن»، ص ۴۳، «چه شد که خورشید تیره شد»، ص ۱۲۶، «خورشید خانم»، ص ۱۳۳، «شکست آزارپیشگان»، ص ۱۶۱.
۱۰. شعرهای دیگر از دفتر اول: «من با صدای تو می‌خوانم»، ص ۷۹۸، «با تخته پاره و تنهایی»، ص ۸۷۵ «وقتی که پنجه‌ی تاریکی»، ص ۹۴۷، «سنگواره»، ص ۹۶۲، «باجی»، ص ۱۰۲۸، «از عشق و سوسه می‌سازی»، ص ۱۱۱۸. از دفتر دوم: «آهوی پرده نگاهم کرد»، ص ۷۴، «رغبت به آب تنی دارم»، ص ۹۶، «مجسمه (آقا مجسمه می‌سازی)»، ص ۱۳۰، «خواهی نباشم و خواهم بود»، ص ۱۸۴، «تکرار تاریخ (مادر گشود به گفتن لب)»، ص ۲۱۲، «روز ملاقات (امروز روز ملاقات است)»، ص ۲۱۶.
۱۱. اشعار دیگری بر همین وزن: از دفتر اول: «در من نشسته به نرمی»، ص ۵۶۹، «مرگت زوال شتاب است»، ص ۶۰۷، «کولی‌واره (۱۳)»، ص ۶۶۲، «پاییز خسته‌ی غمگین»، ص ۹۰۲، «نان و پنیر و صداقت»، ص ۱۰۵۲، «صبحی بگو بدرخشد»، ص ۱۰۵۵، «با شصت خوشه‌ی زرین»، ص ۱۰۶۱، «جامه‌دران»، ص ۱۱۳۰، «وقتی زمانه جوان است»، ص ۱۱۳۲، «گو آفتاب برآید»، ص ۱۱۳۶. از دفتر دوم: «هشتاد سالگی و عشق»، ص ۸۶، «بگذار ساده بگویم»، ص ۹۴، «آدم شدی نشدی نع»، ص ۱۰۲، «قلبم شکست و قلم نیز»، ص ۱۸۸، «اخبار تازه چه داری امروز نوبت شیر است»، ص ۲۴۳.

کتابنامه

الهی، صدرالدین (۱۳۸۳)، «ابداع اوزان تازه در شعر فارسی: گفتگوی صدرالدین الهی با سیمین بهبهانی»، *زنی با دامنی از شعر: جشن‌نامه سیمین بهبهانی*، به کوشش علی دهباشی، چ ۱، تهران: نگاه، صص ۵۹۲-۶۰۴.

بهار، محمدتقی (۱۳۹۶)، *دیوان اشعار*، چ ۵، تهران: نگاه.

بهبهانی، سیمین (۱۳۹۵)، *مجموعه اشعار*؛ دفتر اول، چ ۹، تهران: نگاه.

بهبهانی، سیمین (۱۳۹۴)، *مجموعه اشعار*؛ دفتر دوم، چ ۱، تهران: نگاه.

- پناهی، غلامرضا (۱۳۹۹)، *آشنایی با اوزان عروضی*، ج ۵، تهران: انتشارات پیام.
- خواجه نصیرالدین طوسی (۱۳۹۳)، *معیار الاشعار*، مقدمه تصحیح و تعلیقات علی اصغر قهرمانی مقبل، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شمس قیس، شمس الدین محمد قیس الرازی (۱۳۶۰)، *المعجم فی معاییر اشعار العجم*، تصحیح محمد بن عبد الوهاب قزوینی و تصحیح مجلد مدرس رضوی، ج ۳، تهران: کتابفروشی زوار.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۴)، «عروض جدید، عروض قدیم، عروض عربی» *وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز-۲*، به کوشش امید طبیبزاده، تهران: هرمس، ۷۵-۸۵.
- فرزاد، مسعود (۱۳۴۹)، «مجموعه اوزان شعری فارسی»، *مجله خرد و کوشش*، دوره دوم، دفتر چهارم، بهمن ۱۳۴۹، صص ۵۸۴-۶۵۱.
- فشارکی، محمد (۱۳۸۳)، «از خلیل تا سیمین»، *زنی با دامن از شعر: جشن نامه سیمین بهبانی*، به کوشش علی دهباشی، ج ۱، تهران: نگاه، صص ۹۴-۱۰۸.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۸۹)، *ارکان عروضی: بررسی یک مشکل تاریخی در علم عروض فارسی*، تهران: نیلوفر.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۷)، «جدول طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی و شیوه نام‌گذاری وزن‌ها»، *مجله نامه فرهنگستان*، ش ۶۵، پاییز ۱۳۹۷، صص ۵-۳۴.
- قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۹)، «رکن‌های پنج‌هجایی در عروض عربی و فارسی و کارکرد آن‌ها در عروض فارسی»، *زبان فارسی و گویش‌های ایرانی (دانشگاه گیلان)*، سال پنجم، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۹، صص ۴۵-۶۵.
- المتنبی، أبو الطیب أحمد بن حسین (۱۹۸۶)، *الديوان*، شرحه و کتب هوامشه مصطفى سبیتی، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- معزی، ابو عبدالله (۱۳۱۸)، *دیوان*؛ به سعی و اهتمام عباس اقبال، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۵۵)، *کلیات شمس*؛ تصحیح فروزانفر، ج ۲، ج ۵، تهران: امیر کبیر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۴)، *درباره طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی*، تهران: نیلوفر.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۷)، *طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی*، به همت امید طبیبزاده، تهران: نیلوفر.